

خیزش در اسپانیا

اعتراضات پی در پی هفته اخیر اکنون سیصد شهر اسپانیا را فرا گرفته است. میدان مرکزی پوئر تو دل سول (دروازه خورشید) مادرید، درست بشیوه میدان آزادی (تحریر) قاهره، پس از تحسن شش روزه جوانان با شعارهایی علیه انتخابات و علیه «دیکتاتوری بازار»، سرانجام به تسخیر کامل خیل وسیع تظاهرکنندگان در آمد. به رغم تلاش مذبحخانه رسانه‌ها برای محصور ساختن موج اعتراض طبقه کارگر در آفریقا، آسیا و اروپا در مرزهای ملی و نژادی، برغم سکوت ریاکارانه رسانه‌های «دمکراسی» در مقابل جنبش شش روزه اسپانیا، با به تسخیر در آمدن میدان مرکزی مادرید روشن گشت اسپانیا گام در راه تونس، مصر و یونان گذاشته است. موج شورش درست زمانی اوج میگیرد که بر اساس حکم کمیسیون انتخابات، هرگونه تجمع و تظاهرات در روز پیش از انتخابات، ممنوع است. اما کارگران و مردم اسپانیا با مشت‌های گره کرده و شعار بر علیه سیاست‌های اقتصادی دولت به تدابیر اقتصادی و «سیرک انتخاباتی» پاسخ میدهند. درست همانند تونس، مصر و یونان، سیاست‌های ریاضتی و سرشکن کردن بحران بردوش کارگران، محرک اصلی این خیزش است. و باز هم درست به مانند مصر، تونس و یونان، نهادهای رسمی کارگری که تاکنون قادر به کنترل اعتراضات گشته بودند، وادار به عقب نشینی در برابر اعتلای خیزش اعتراضی گشته‌اند.

ژرفش بحران و بسنه ریاضتی

رکود مزمن اقتصاد اسپانیا یکی از نتایج بحران اقتصاد جهانی است. این امر دولت اسپانیا را با کسری شدید بودجه و بدهکاری هنگفت مالی مواجه کرده است. دولت به اصلاح «سوسیالیست» اسپانیا که خود محصول ناتوانی راست‌ها در مواجهه با بحران اقتصادی و تبعات سیاسی آن بود، برای مقابله با بحران و نجات سرمایه‌داری اسپانیا در بازارهای مالی جهان، به تحمیل سیاست‌های ریاضتی و سرشکن کردن بحران بر روی دوش کارگران و خانواده‌هایشان روی آورده است. کاهش هزینه‌های دولتی، برچیدن تأمینات اولیه اجتماعی، اصلاح سیستم استخدامی و بازار کار برای تسهیل بیکارسازی‌ها از جمله تدابیری است که طی سه سال اخیر به اجرا در آمده.

با ژرفش بحران اقتصادی، آمار کارگران تحت قراردادهای موقت کاری تا سر حد یک سوم شاغلین کشور افزایش یافت و سرانجام همین بخش از شاغلین بودند که شامل بیکارسازی‌های سه ساله اخیر اسپانیا گشته‌اند. این در حالی است که بنا بر قانون کار اسپانیا، کارفرمایان موظفند 45 روز حقوق بابت هر سال سابقه کار کارگران استخدامی را بپردازند. یکی از اهداف طرح «اصلاح بازار کار» دولت کاهش این مبلغ تا 33 روز بوده است. اصلاح مزبور همچنین دست کارفرمایان را برای انعقاد قراردادهای کوتاه مدت با بیکاران را باز میگذارد. مذاکره کارفرمایان با اتحادیه‌های کارگری برای کاهش ساعات کار مستخدمین، بدلیل بحران و کاهش سود موسسه، نیز یکی دیگر از موارد طرح اصلاح بازار کار بوده است.

یکی از پیامدهای این سیاست، افزایش آمار بیکاری طی سه ساله اخیر تا سر حد پنج میلیون نفر بوده است. همراه با تحمیل آشکار فقر و فلاکت بر کارگران، در آمد کارکنان دولتی کاهش یافته و ناامنی شغلی کل جامعه را فرا گرفته است. از سوی دیگر، سیستم تأمینات بیکاری اسپانیا قادر نیست تا نزدیک به 4 درصد تولید ناخالص ملی این کشور، چیزی نزدیک به 50 میلیارد دلار را صرف تضمین بیکارسازی‌ها و وثیقه معامله با اتحادیه‌های کارگری سازد تا این نهاد قادر به کنترل اعتراضات گردند. روشی که در اروپای شمالی، کماکان عملی و کارساز است.

دولت اسپانیا، برغم کسر بودجه شدید و بدهی هنگفت نخواست تا بعنوان چهارمین کشور اروپایی در صف درخواست‌کنندگان کمک مالی از اتحادیه اروپا قرار گیرد. تن دادن به چنین تدبیری میتوانست به معنای سقوط بازار بورس اسپانیا و لرزش بیش از پیش پروژه «پول واحد اتحادیه اروپایی» باشد. اما دولت باصطلاح سوسیالیست سرمایه با اتخاذ سیاست اصلاح ساختاری و تحمیل برنامه ریاضت اقتصادی، تصمیم خود برای سرشکن کردن تبعات بحران و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر استثمارشوندگان را اعلام کرد. در پی این تصمیم دولت، تقاضا برای خرید اوراق قرضه دولتی بالا رفت و بازار بورس اسپانیا نیز تقویت گشت. اما هم‌اکنون اسپانیا شاهد پاسخ جنبش کارگری و فرزندان‌شان به این سیاست دولت است.

اتحادیه‌های کارگری

اتحادیه‌های کارگری که به یمن بحران اقتصادی، نقش بر مراتب مهمتری در چانه زنی با کارفرما و دولت بعهده گرفته‌اند، در عمل با برنامه‌های ریاضتی دولت کنار آمده‌اند. در ماه مه سال گذشته، در میان بخش قابل توجهی

از کارگران خواست اعتصاب سراسر برای عقب نشاندن برنامه‌های ریاضت کشی به حد چشم گیری فراگیر شد. اتحادیه‌ها اما همانند گذشته، با برپایی چند اعتراض نمایشی قادر شدند تا با فشار فزاینده کارگران مقابله کنند. تظاهرات چندین هزار نفری کارگران مادرید در سال گذشته نیز عملاً نتوانست از کنترل این نهادها خارج گردد. واقعیت این است که ابراز مخالفت صوری اتحادیه‌ها با برنامه‌های ریاضتی دولت و سازمان دادن اعتراضات زودگذر بمنظور تضمین کارکرد «سوپاپ اطمینان» روش موثری در مهار مبارزات کارگری بوده است. به نظر میرسد که زمینه‌های مادی و سیاسی، این کارکرد اتحادیه در اسپانیا، همانند یونان کاملاً تضعیف گشته است.

همه شواهد حاکی از آن است که جنبش اعتراضی کنونی از شورش‌های کارگری تونس و مصر الهام گرفته و به همان شیوه نیز در حال گسترش است. هجوم جوانان بسوی میدان خورشید همراه با شعارهای ضد سرمایه‌داری و برپایی چادر برای تسخیر میدان اصلی شهر، اعتراضات کارگری را از موسسات و صنایع به خیابانها کشاند. اما جنبش خیابان و میدپن، اگر متکی به حرکت متشکل و هدفمند طبقه کارگر در محل‌های تولید نگردد، راهگشای پیشروی نخواهد بود. این یکی از درس‌های مهم جنبش‌های اعتراضی اخیر است. اکنون سؤال این است که آیا طبقه کارگر در کشورهای چوون ایتالیا، پرتغال یونان و فرانسه، به یاری موج اعتراضی اسپانیا خواهد شتافت یا نه. اما قدر مسلم آن است که خیزش‌های کارگری و اجتماعی، از آسیا و آفریقا به اروپا رسیده و فصل نوینی از مبارزه طبقاتی در جهان سرمایه آغاز گشته است.

21/05/2011